

عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر سازگاری زنان معاود در ایلام

دکتر منصور حقیقتیان

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان

حیران پورنجف

کارشناس پژوهش، دانشگاه علوم پزشکی، ایلام

چکیده

ایرانیان زیادی در نوبت‌های گوناگون مجبور به ترک خانه و کاشانه‌ی خود در کشور عراق و سکونت در شهرستان ایلام شده‌اند و با توجه به این‌که در همه‌ی پژوهش‌هایی که درباره‌ی سازگاری مهاجران با محیط جدیدشان انجام شده، تنها سرپرست خانوار (مرد) مورد مطالعه قرار گرفته‌است، هدف این پژوهش بررسی میزان سازگاری و تطبیق‌پذیری زنان ایرانی برگشته از عراق است. با به‌کارگیری پرسش‌نامه و مشاهده، سازگاری زنان معاود، که شامل سازگاری فرهنگی (میزان پذیرش سنت‌ها و آداب جامعه‌ی ایران در مورد غذا، لباس، رسوم اجتماعی، و به‌کارگیری زبان فارسی) و رضایت‌مندی (میزان رضایت از امکانات اجتماعی، شیوه‌ی برخورد ایرانی‌ها، و ایرانی یا عراقی تلقی کردن خود) آنان می‌شد، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین سن افراد و سازگاری آن‌ها پیوندی نیست ولی بین تأهل، تحصیلات، درآمد، تعداد فرزندان و نوع شغل افراد با میزان سازگاری آن‌ها پیوندی معنادار وجود دارد. نکته‌ی قابل توجه این است که سازگاری بیشتر افراد در حد میانه بود و تعداد کم‌تری احساس می‌کردند که توانسته‌اند با محیط جدید کاملاً سازگار شوند.

واژگان کلیدی

زنان معاود؛ سازگاری فرهنگی؛ رضایت‌مندی؛ تأهل؛ تحصیلات؛ نوع شغل؛

هرچند مهاجرت، اخراج، آوارگی، و پناهندگی پدیده‌هایی تازه و جدید نیستند ولی بحث و بررسی درباره‌ی علل پیدایش این پدیده‌ها و همچنین تأثیری که این پدیده‌ها بر روی مهاجران، اخراج‌شدگان، و پناهندگان می‌گذارد همواره کانون توجه پژوهش‌گران و اندیش‌مندان جامعه بوده‌است. اخراج، یکی از صور برخورد ناشی از برتری‌طلبی قومی یا نژادی در یک جامعه است که از طریق آن، گروه اکثریت (مسلط) سعی می‌کند برتری خود را به گروه اقلیت (تحت تسلط) تحمیل نماید و چون اقلیت، امکانات چندانی در اختیار ندارد مجبور به پذیرش و ترک خان‌ومان خود می‌شود. پس از جابه‌جایی و مهاجرت، مسئله‌ی چه‌گونگی سازش و انطباق مهاجران با مکان جدید مطرح است و این‌که جامعه‌ی میزبان به چه صورت آن‌ها را می‌پذیرد و نیز خود آن‌ها چه‌گونه از این فرآیند تأثیر می‌پذیرند. اخراج و آوارگی، دسته‌جمعی ایرانیان مقیم عراق، یکی از مهم‌ترین نتایج تنش و اختلافات ارضی و سیاسی، میان دو کشور ایران و عراق است. هرچند انگیزه‌ی کاریابی و بهبود وضعیت اقتصادی را نباید از نظر دور داشت ولی وجود اماکن مقدس عراق و علاقه و ارادت عمیق و خالصانه‌ی شیعیان ایرانی به خاندان پاک رسول خدا^ص، از قدیم یکی از انگیزه‌های قوی برای مهاجرت ایرانیان به کشور عراق بوده‌است، اما به‌علت بروز اختلاف بین ایران و عراق بر سر مسائل مختلف، مهاجران ایرانی، مقیم عراق بارها هدف سیاست‌های انتقام‌جویانه‌ی رژیم عراق قرار گرفته و از خانه و کاشانه‌ی خود اخراج شده‌اند. این‌گونه اقدامات با شروع جنگ تحمیلی و در طی سالیان جنگ با شدت ادامه یافت و در این میان استان ایلام به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و همسایه‌ی کشور عراق، همواره میزبان و پذیرای سیل عظیم افراد مهاجر از عراق بوده‌است.

با توجه به اهمیت نهاد خانواده در بین خانواده‌های مهاجر و با عنایت به غلبه‌ی فرهنگ مردسالار، فشارهایی که بر زنان به جهت سازگاری خانواده با فرهنگ جدید وارد می‌شود بسیار زیاد است. این مسئله مخصوصاً با در نظر گرفتن پدیده‌ی وحشت‌ناک خودسوزی، که در میان زنان و دختران دارای آمار و ارقام بیش‌تری است، اهمیتی دوچندان می‌یابد. پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، زنان معاود به بررسی میزان سازگاری آنان با محیط جدید بپردازد.

مروری کوتاه بر روابط ایران و عراق

سابقه‌ی اختلافات ایران و عراق به زمان امپراتوری عثمانی و سال‌های قبل از استقلال عراق می‌رسد؛ زمانی که با تشکیل حکومت صفویه و اعلام مذهب تشیع به‌عنوان مذهب



رسمی کشور، دولت سنی‌مذهب عثمانی علیه ایران برخاست. در دوران صفویه جنگ‌های چندی بین ایران و دولت عثمانی رخ داد که هر بار به نفع یکی و با بستن قرارداد و واگذاری قسمتی از سرزمین‌های طرف مغلوب خاتمه می‌یافت (افشار سیستمی ۱۳۷۲: ۳۳۶-۳۳۷). با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی و پیوستن عثمانی به معرکه‌ی جنگ، دولت عثمانی به بهانه‌ی حضور نیروهای روسیه در آذربایجان، به خاک ایران تجاوز کرد (همان: ۳۴۲). با درهم‌شکستن امپراتوری عثمانی، کشور عراق در سال ۱۹۲۰ ابتدا تحت قیمومیت انگلستان درآمد و سپس از سال ۱۹۳۲ مستقل شد.

حاکمان عراق که همواره به علمای شیعه‌ی ایرانی و ایرانیان مقیم عراق با دید منفی می‌نگریستند و آن‌ها را ستون پنجم و پیش‌گامان توسعه‌طلبی ایران می‌دانستند (جعفری ولدانی ۱۳۶۷)، عموماً هنگام عدم موفقیت در اختلافات سیاسی و مرزی با ایران، مبادرت به اخراج بسیاری از آن‌ها از عراق می‌نمودند. در نخستین موج این اخراج‌ها در سال ۱۹۷۰ حدود چهل‌هزار کرد شیعه که در نواحی مرزی زندگی می‌کردند به ایران فرستاده شدند و سپس در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۷۰ حدود دویست‌هزار نفر دیگر نیز به‌عنوان ایرانی‌تبار شناسایی، و بعدها پیش از شروع جنگ ایران و عراق بسیاری از آن‌ها اخراج شدند (الخلیل ۱۳۷۰: ۳۹).

برخی ویژگی‌های معاودین

از یک طرف، مهاجرین از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی و یا از دید فرهنگی، دارای تعدادی ویژگی عام اند و از طرف دیگر، مهاجر به تنهایی موجودی است با پیچیدگی فرهنگی ویژه، که می‌تواند عناصر مختلف فرهنگی را در خود جذب کند (ربانی ۱۳۸۱: ۱۳-۱۷). بر این اساس، معاودین نیز برخی عناصر فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند و برخی دیگر را با فرهنگ مکان جدید آمیخته‌اند؛ مثلاً در مورد ازدواج، معمولاً خانواده‌ی داماد مسئول خرید جهیزیه است و خانواده‌ی عروس تنها به دادن هدیه بسنده می‌کند؛ حتا در بعضی مواقع خانواده‌ی عروس دادن جهیزیه را هم به عروس، زشت و مکروه می‌شمارد و معتقد است که جهیزیه دادن به معنای این است که خانواده‌ی عروس دارای عیبی است که می‌خواهد با دادن جهیزیه آن را بپوشاند؛ ولی چند سالی است که بر اساس آداب و رسوم ایلامی‌ها، خانواده‌ی عروس در روز هفتم عروسی، عروس و داماد را دعوت می‌کنند و هدایایی قابل‌توجه مانند فرش، یخچال، فریزر، و از این دست به آن‌ها می‌دهند.

معاودین هم‌چنین به غذا، لباس، و معاشرت با دوستان و بستگان بسیار اهمیت می‌دهند، سعی می‌کنند شاد باشند، چون به آینده خوش‌بین هستند کم‌تر پس‌انداز می‌کنند و

اگر وسیله‌یی را نداشته باشند ابایی ندارند که از دوستان به قرض بگیرند. آنان معمولاً به صورت دسته‌جمعی خرید می‌کنند و در عزای از دست دادن عزیزان، ابتدا زنان، سینه‌زنی، خاصی را که «قرایه» نامیده می‌شود انجام می‌دهند و پس از ختم قرآن، نوحه‌ی امام حسین^ع، مصیبت حضرت زهرا^س و حضرت زینب خوانده می‌شود و در پایان مراسم نیز، که به صورت سرپایی انجام می‌گیرد، افراد داوطلب عکس عزیزان فوت‌شده‌ی خود را به دست گرفته، به صورت دورانی پای کوبی می‌کنند.

ادبیات پژوهش

پژوهش‌های خارجی

پژوهش *توماس و زناتیکی*^۲ (۱۹۱۸؛ برگرفته از اسمیت^۱ ۱۹۸۸) با عنوان «دهقانان لهستانی در اروپا و آمریکا»، از جمله‌ی اولین و شاید معروف‌ترین پژوهش‌هایی باشد که درباره‌ی چه‌گونگی سازگاری مهاجران در محیط جدید صورت گرفته‌است. پژوهش‌گران دریافتند که نظام ارزشی و هنجاری دهقانان لهستانی با مهاجرت به اروپا و آمریکا دچار تغییرات فراوان گردید و فردگرایی، تضعیف روابط خانوادگی، و بزه‌کاری نوجوانان، در بین مهاجران رواج بیش‌تری داشت تا در بین بومی‌های لهستان (اسمیت ۱۹۸۸: ۱۰۲-۱۱۰). در دهه‌ی ۱۹۷۰، *پارسونز*^۳ در مجموعه نوشتارهایی که درباره‌ی سیاهان و دیگر اقلیت‌های قومی آمریکا و مسائل آن‌ها منتشر کرد به این نتیجه رسید که آن‌ها بیش‌تر تحت تأثیر فرآیند انضمام^۴ بوده‌اند تا فرآیند همانندگردی^۵ و یا فرآیند دیگ‌ذوب^۶؛ یعنی مهاجران در کنار این‌که سعی کرده‌اند با به‌کارگیری فرآیندهای اجتماعی رایج در آمریکا (مانند کسب تحصیلات عالی) از فرصت‌های ارائه‌شده استفاده کنند، ولی با حفظ برخی ویژگی‌های قومی خود، به‌طور کامل در فرهنگ غالب ذوب نشده‌اند و تنها سیاهان نتوانسته‌اند خوب از این فرآیند استفاده کنند و هنوز در حاشیه‌ی جامعه مانده‌اند (روشه^۷، ۱۳۷۶: ۲۲۴-۲۲۵).

انصاری (۱۳۶۹) در پژوهشی که بر روی ایرانیان مقیم سه ایالت نیوجرسی، پنسیلوانیا، و نیویورک آمریکا در طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ میلادی انجام داد، دریافت که ایرانیان نتوانسته‌اند جذب فرهنگ غالب جامعه‌ی آمریکا شوند و در این میان متغیرهایی مانند

^۱ Thomas, William, and Florian Znamecki

^۲ Smith, Dennis

^۳ Parsons, Talcott (1902-1979)

^۴ Inclusion

^۵ Assimilation

^۶ Melting Pot

^۷ Rocher, Guy



فردگرایی، انزوای سیاسی، ناامنی، بدبینی، بی‌اعتمادی، منفی‌بافی، و عاطفه‌گرایی. ایرانی بر عدم سازگاری آن‌ها تأثیرگذار بوده‌است.

ژلیازکووا^۱ (۱۹۹۸) سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران ترک بلغاری را در شهر صوفیای ترکیه مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که سازگاری اجتماعی و فرهنگی آن‌ها اساساً به موقعیت تحصیلی، شغلی، و تسلط آن‌ها بر زبان رسمی ترکیه بستگی دارد. بیش‌تر بلغاری‌های دارای تحصیلات بالا و موقعیت شغلی خوب در ترکیه ترجیح می‌دهند در شهرهایی سکونت کنند که از اجتماعات به‌هم‌فشرده‌ی پناهندگان دور باشد.

اکبری ملهی^۲ (۱۹۹۵) در بررسی کارگران مهاجر ایرانی در فیلیپین دریافت که عدم ساخت جامعه‌ی جدید، محدودیت ارتباط اجتماعی، اختلاف زبان، و تفاوت دین و فرهنگ مهاجران با افراد بومی، موجب سوء‌تغذیه، افسردگی، دلتنگی، و ناامیدی در بین مهاجران شده‌است؛ علاوه‌براین، تماس‌های محدود با جامعه‌ی میزبان و همچنین ناامنی‌هایی که زن و مرد در شغل و محیط جدید احساس می‌کردند، باعث افزایش چشمگیر وابستگی بین افراد خانواده شده‌بود و ناراحتی‌های معمولی بین زن و شوهر و یا بین فرزندان و پدر و مادر نیز شدت خاصی یافته‌بود.

در مطالعه‌ی مشکلات سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران آذربایجانی به سن‌پیترزبورگ روسیه، برژنیکووا و پاچنکوف^۳ (۱۹۹۹) دریافتند که بیش‌تر مهاجران را مردانی تشکیل می‌دهند که هدف نهایی‌شان از مهاجرت یافتن شغل بوده‌است. هم‌بستگی قومی در میان این مهاجران ضعیف، و پایگاه و موقعیت خانوادگی در بین آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بود. بزرگ‌ترین مشکلی نیز که آذربایجانی‌ها داشتند، ظاهر قفقازی آن‌ها بود که موجب بروز واکنش‌های منفی از طرف روس‌ها می‌شد.

ویرزبکی^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش خود درباره‌ی سازگاری مهاجران به آمریکا به این نتیجه رسید که انجمن‌ها و اجتماعات مهاجران، حتا ضعیف‌ترین آن‌ها، بیش‌تر به‌عنوان حامی و هماهنگ‌کننده‌ی روابط آن‌ها به شمار رفته‌اند. وی دریافت افرادی که در خارج از وطن‌شان به دنیا آمده‌بودند، در مقایسه با کسانی که در وطن‌شان متولد شده‌بودند، ارتباطات قومی بیش‌تری داشتند.

¹ Zhelyazkova, Antonina

² Akbari Melhi, Firoozé

³ Brednikova, Olga, and Oleg Patchenkov

⁴ Weirsbicki, Susan K.

رامبات^۱ (۱۹۹۱؛ برگرفته از ویکز^۲ ۱۹۹۹) در مطالعه‌ی تأثیر مهاجران قبلی بر سازگاری مهاجران جدید به این نتیجه رسید که هرچند ارتباط با مهاجران قدیمی ممکن است در ابتدای کار، سازگاری با محیط جدید را برای فرد آسان کند ولی تأثیر بلندمدت این ارتباط، کاهش استحاله‌ی فرد جدید در فرهنگ محیط جدید است (ویکز ۱۹۹۹: ۲۴۹)، که این امر شاید به این خاطر باشد که فشار برای یادگیری زبان و فرهنگ محیط جدید کاهش می‌یابد.

پژوهش‌های داخلی

اولین پژوهش درباره‌ی معاودین با عنوان «ایرانیان بازگشته از عراق» در ۱۳۴۹ به وسیله‌ی ساخوانی و همکاران (۱۳۵۰)، با به‌کارگیری پرسش‌نامه، مصاحبه‌ی مستقیم با معاودین، و مصاحبه‌ی آزاد با مسئولین در اردوگاه‌های بروجرد، کرمانشاه، و قصرشیرین صورت گرفت که نتایج آن به صورت زیر است:

۱- میزان بی‌سوادی در بین معاودین بسیار زیاد بود و این مسئله مخصوصاً در مورد دختران و زنان شدت بیشتری داشت.

۲- معاودین هرچند با زبان فارسی آشنا بودند و با آن صحبت می‌کردند، ولی تسلط چندانی از نظر نوشتن و خواندن نداشتند و بسیاری از آن‌ها با زبان‌هایی دیگر مثل عربی و کردی آشنایی بیشتری داشتند، که این مسئله امکان تحرک اجتماعی آن‌ها را پایین می‌آورد.

۳- سطح تخصص حرفه‌ی معاودین پایین بود؛ یعنی درصد بالایی از آن‌ها دارای مشاغل غیرتخصصی مانند باربری، سرایداری، و عملگی بودند.

شعرباف (۱۳۷۶) در بررسی سازگاری مهاجران افغانی در اصفهان، دریافت که بین سازگاری آن‌ها در جامعه‌ی میزبان و متغیرهای سواد، تأهل، مدت اقامت در ایران، و میزان امید به بهبود اوضاع آتی افغانستان پیوندی معنادار وجود دارد.

ریانی و پاییزان (۱۳۸۳) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرهنگ‌پذیری مهاجران شهر فیروزآباد دریافتند که بین جنسیت، نوع شغل، و درآمد مهاجران و فرهنگ‌پذیری آنان پیوندی مثبت و ضعیف؛ بین میزان تحصیلات و مدت اقامت مهاجران در مکان جدید و فرهنگ‌پذیری آنان پیوندی مثبت و قوی، و بین سن مهاجران و فرهنگ‌پذیری آنان پیوندی معکوس وجود داشت. متغیرهای محل سکونت قبلی، قومیت، و دوری مسافت، ارتباطی با فرهنگ‌پذیری نداشتند.

¹ Rumbaut, Rubén G.

² Weeks, John R.



تقوی (۱۳۸۴) در پژوهش خود درباره‌ی عوامل مؤثر بر سازگاری فرهنگی غیربومیان در شهر قائمیه (چنار شاه‌یجان) دریافت که بین سازگاری فرهنگی و میزان سواد، مدت اقامت در قائمیه، میزان درآمد، سن، شغل، و برقراری پیوند خویشاوندی با بومیان، پیوندی معنادار و مثبت وجود دارد و بین فاصله‌ی محل سکونت اولیه‌ی غیربومیان از قائمیه و سازگاری فرهنگی آنان پیوندی منفی (معکوس) وجود دارد.

بررسی پژوهش‌های گوناگون نشان از آن دارد که سازگاری، یک پدیده‌ی پیچیده است و متغیرهای گوناگونی بر آن مؤثر اند و باید با یک روی‌کرد تلفیقی آن را مورد بررسی قرار داد.

مبانی نظری پژوهش

پارک^۱ در مطالعات خود در سال‌های ۱۹۳۰ میلادی درباره‌ی روند سازگاری مهاجران مختلف در شهر شیکاگو به این نتیجه رسید که فرآیند تطبیق‌پذیری آن‌ها از سه مرحله می‌گذرد (برگرفته از کوزر^۲ ۱۳۷۳:۴۷۹):

۱- **مرحله‌ی رقابت و تضاد**^۳ - زمانی است که مهاجران پس از سکنا گزیدن در جامعه‌ی جدید با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و از طرف دیگر افراد جامعه‌ی میزبان هم، مهاجران را به‌عنوان تهدید یا رقیب می‌بینند. پارک ادعا کرد که این یک مسئله‌ی طبیعی است و همه‌ی گروه‌ها برای تسلط بر منابع در دسترس (چه اقتصادی و چه جغرافیایی-مکانی) تلاش می‌کنند.

۲- **مرحله‌ی همراهی یا توافق**^۴ - مرحله‌ی است که افراد مهاجر برای غلبه کردن بر مشکلاتشان برخی از هنجارها و رفتارهایشان را تغییر می‌دهند و جامعه‌ی میزبان نیز به مقداری زیاد ترس و واهمه‌ی خود را نسبت به افراد جدید از دست می‌دهد و احساس می‌کند که آن‌ها در واقع می‌توانند خلأهایی را در جامعه پر کنند.

۳- **مرحله‌ی استحاله یا هم‌رنگی**^۵ - مرحله‌ی است که افراد مهاجر با پذیرش ارزش‌ها و باورهای فرهنگ غالب، خود را شبیه یک عضو بومی جامعه‌ی میزبان می‌کنند و در واقع در آن فرهنگ حل می‌شوند (کالینز و مک‌کوسکی^۶ ۱۹۸۹:۱۹۲). از نظر پارک، این مرحله معمولاً

¹ Park, Robert

² Coser, Lewis A.

³ Competition and Conflict

⁴ Accommodation

⁵ Assimilation

⁶ Collins, Randall, and Michael Makowsky

درباره‌ی نسل دوم و یا سوم مهاجران صادق است؛ یعنی فرزندان مهاجران اولیه، که یا در محیط جدید به دنیا آمده‌اند و یا هنگام مهاجرت، کودک و جوان بودند.

این روی‌کرد که عموماً در جامعه‌شناسی به‌عنوان روی‌کرد «کارکردگرایی»^۱ شناخته شده معتقد است که فرد مهاجر وارد یک ساختار از قبل ساخته و پرداخته شده، می‌شود که این ساختار از نظر اندازه و تراکم از مبدأ بزرگ‌تر بوده و از تقسیم کار پیچیده‌تری برخوردار است؛ بنابراین فرد مهاجر در صورتی می‌تواند کسب موفقیت کند که مهارت‌های اجتماعی و شغلی لازم جهت ماندگاری در این محیط را بیاموزد. از منظر این دیدگاه، سن افراد مهاجر متغیر مهمی است؛ چون آن‌هایی که در سنین جوانی مهاجرت می‌کنند از آن‌جا که از نظر شخصیتی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند، در انتخاب نقش‌های اجتماعی خویش نیز دارای آزادی بیشتری‌اند و همچنین چون عمر طولانی‌تری در پیش دارند و سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های جدید برای آن‌ها سودمند است، انگیزه‌ی بیشتری نیز برای سازگاری با محیط جدید دارند. همین‌گونه، افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، به دلیل این‌که در فرآیند کسب تحصیلات (اگر در جامعه‌ی مقصد تحصیل کرده باشند) ارزش‌های عام یک جامعه (که فراتر از ارزش‌های محلی است) را بیشتر درونی می‌کنند و همچنین در کسب شغل از امکانات و اختیارات زیادتری برخوردار اند، توانایی بالاتری در سازگاری با محیط‌های گوناگون دارند.

این دیدگاه خالی از انتقاد نیست. لهسایبی‌زاده (۱۳۶۸) گزارش می‌کند که در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان سوم، مهاجران بیش‌تر در حاشیه‌ی شهرها سکونت می‌گزینند. آنان در جامعه‌ی مقصد به صورت گروه‌های متمایز باقی می‌مانند و اگرچه می‌کوشند ارزش‌های مسلط بر آن نظام را تقلید کنند اما به از خودبیگانگی فرهنگی دچار می‌شوند.

دیدگاه دیگری که در این زمینه مطرح است و به نظر می‌رسد تا حدی با نظریه‌ی کارکردگرایی هم‌خوانی داشته باشد، فرضیه‌ی «تماس»^۲ است که مدعی است تماس افراد با فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت، باعث کاهش کج‌فهمی‌ها و افکار کلیشه‌یی آن‌ها نسبت به یک‌دیگر شده، تفاهم و همکاری را بین آن‌ها افزایش خواهد داد (سیگل من و ولش^۳ ۱۹۹۳)؛ البته تماس در صورتی مؤثر خواهد بود که گروه‌های درگیر تقریباً مساوی باشند، اهداف مشترک داشته باشند، به‌طور داوطلبانه وارد تماس شده باشند، و ممانعتی از طرف جامعه یا گروه‌های قدرت‌مند برای این تماس وجود نداشته باشد (بری و همکاران^۴ ۲۰۰۲: ۳۷۴).

^۱ Functionalism

^۲ The Contact Hypothesis

^۳ Sigelman, Lee, and Susan Welch

^۴ Berry, John W., Ype H. Poortinga, Marshall H. Segall, and Pierre R. Dasen



پژوهش‌های گوناگونی که برای آزمون این دیدگاه صورت گرفته‌است عموماً (نه تماماً) نشان از آن دارد که تماس، در کاهش افکار کلیشه‌یی و تعصبات قومی-نژادی، در حدی میانه مؤثر است (سیگل‌من و ولش ۱۹۹۳؛ بری و همکاران ۲۰۰۲)؛ اما فراهم آوردن شرایط لازم و کافی برای این‌گونه تماس‌ها همیشه آسان و امکان‌پذیر نیست. در این راستا وینر^۱ (۱۳۸۳) معتقد است نوع دید کشور میزبان به مهاجران و باز بودن بازار کار به روی مهاجران، دو متغیر بسیار مهم در سازگاری آن‌ها است. اگر کشور میزبان، مهاجران را به‌عنوان افراد مساوی با افراد بومی در نظر بگیرد و زمینه‌های مناسب را برای مشارکت و همکاری مهاجرانی که دارای توانایی و قابلیت هستند فراهم کند، در سازگاری آن‌ها تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

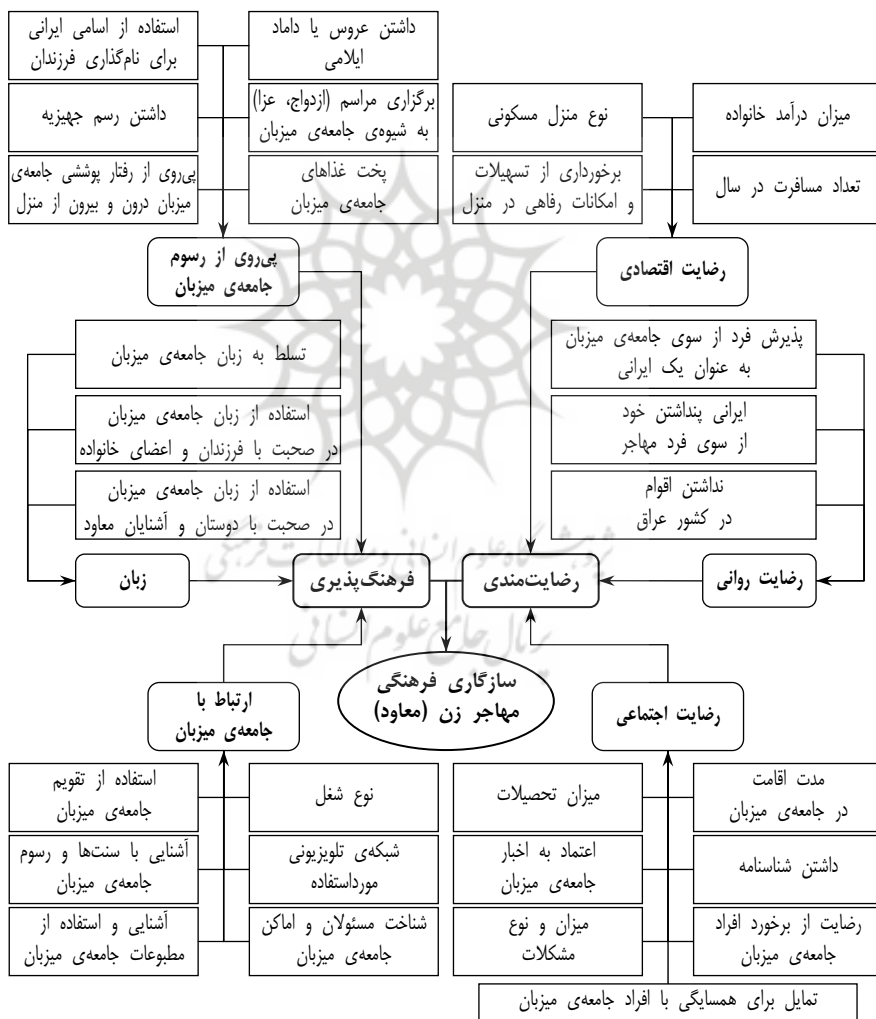
در پژوهش کنونی، با استفاده از فرضیه‌ی تماس، تأثیر متغیرهای تأهل، نوع شغل، و تعداد فرزندان بر سازگاری مهاجران مورد آزمون قرار گرفت و فرض بر این شد که متأهل بودن و فرزند داشتن امکان تماس بیش‌تر معاودین را با افراد جامعه‌ی مقصد فراهم می‌سازد (از طریق روابط همسایگی، انجمن اولیا و مربیان و دیگر) و هم‌چنین از نظریه‌ی کارکردگرایی، که قائل به تأثیر سن و تحصیلات در سازگاری مهاجران بود، نیز استفاده شده‌است.

روش پژوهش

روش پژوهش این مطالعه پیمایش ابزار، جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه، و مشاهده بود. جامعه‌ی آماری نیز شامل تمام زنان و دختران معاودی بود که طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۷ به ایلام آمده‌بودند. با توجه به آمار اخذشده از استانداری محترم ایلام، در این استان حدود ده‌هزار معاود ساکن اند که هفت‌هزار نفر از آن‌ها در شهرستان ایلام زندگی می‌کنند. چون در استان ایلام تعداد خانوار تقریباً پنج نفر است، تعداد خانوارهایی که جامعه‌ی آماری را تشکیل می‌دادند ۱۴۰۰ خانوار بود، که از آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌یی برابر با ۲۵۳ نفر تعیین شد. در توزیع و تکمیل پرسش‌نامه‌ها، با توجه به شناخت پژوهش‌گران از شیوه‌ی توزیع معاودان، سعی شده به مناطقی که از نظر جمعیت معاودنشین نسبت به سایر مناطق پرجمعیت‌تر بوده‌است (برای مثال، شهرک سرطاف یا محله‌ی رسالت)، پرسش‌نامه‌های بیش‌تری اختصاص داده‌شود. در درون این محلات یا شهرک‌ها، توزیع

^۱ Weiner, Myron

پرسش‌نامه تصادفی بوده‌است. متغیر وابسته‌ی پژوهش، سازگاری فرهنگی بود که از دو زیرمجموعه‌ی فرهنگ‌پذیری و رضایت‌مندی تشکیل شده‌است (نمودار ۱).



نمودار ۱- مدل تحلیلی

گولداست و ریچموند^۱ (۱۹۷۴) که معتقد اند یک روی‌کرد چند متغیره برای سنجش سازگاری می‌تواند یک اساس واقعی و همه‌جانبه‌نگر را فراهم سازد، به‌کارگیری شاخص‌های

¹ Goldlust, John, and Anthony H. Richmond



فرهنگ‌پذیری، رضایت‌مندی و همانندی را جهت این‌گونه مطالعات پیشنهاد می‌نمایند. تافت^۱ (۱۹۷۷) نیز در مطالعه‌ی سازگاری مهاجران در غرب استرالیا از دو شاخص فرهنگ‌پذیری و رضایت‌مندی استفاده کرد.

برای سنجش فرهنگ‌پذیری ۲۶ سؤال در نظر گرفته‌شد، که شامل مواردی مانند اقلام زیر است:

- ۱- زبان مورد استفاده برای صحبت کردن با دوستان و با اعضای خانواده؛
 - ۲- میزان پیروی از سنت‌ها مانند برگزاری رسوم عروسی و سوگواری و تمایل به داشتن عروس و یا داماد ایرانی؛
 - ۳- رفتار غذایی و رفتار پوششی (نوع پوشش در منزل و بیرون)؛
 - ۴- میزان ارتباط با جامعه‌ی میزبان (نوع شغل، شبکه‌ی تلویزیونی مورد استفاده، میزان آشنایی با استفاده از منابع خبری).
- کم‌ترین نمره‌ی فرد از این مقوله ۲۶ و بیش‌ترین نمره ۶۴ است. برای سنجش میزان رضایت‌مندی نیز با استفاده از ۱۵ سؤال، موارد زیر مورد پرسش قرار گرفت:

- ۱- وضعیت اقتصادی (میزان درآمد، نوع منزل مسکونی، و امکانات و تسهیلات رفاهی)؛
 - ۲- رضایت اجتماعی (میزان رضایت از برخورد با مردم، میزان و نوع مشکلات، و مدت اقامت در جامعه‌ی میزبان)؛
 - ۳- رضایت روانی (عرب یا ایرانی تلقی کردن خود، عرب یا ایرانی تلقی شدن از نظر افراد جامعه‌ی میزبان، و داشتن بستگان در کشور عراق).
- کم‌ترین نمره‌ی فرد از این مقوله ۱۵ و بیش‌ترین نمره ۵۲ است. با تلفیق این دو مقوله، کم‌ترین نمره‌ی سازگاری فرد ۴۱ و بیش‌ترین نمره‌ی او ۱۱۶ بود که با تقسیم تفاوت بین این دو عدد به سه، سازگاری ضعیف، متوسط و خوب به دست آمد. متغیرهای مستقل این پژوهش، سن، تأهل، سواد، درآمد، تعداد فرزندان، و نوع شغل بودند. برای تعیین میزان روایی ابزار پژوهش، پرسش‌نامه در اختیار پنج نفر متخصص (دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری) در رشته‌های جامعه‌شناسی و روش پژوهش قرار گرفت و به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه، تعداد ۲۰ نفر انتخاب شدند که طی دو مرحله، با فاصله‌ی زمانی ۱۵ روز پرسش‌نامه را تکمیل کردند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، با توجه به کیفی بودن بیش‌تر متغیرها از آزمون خی‌دو استفاده شد.

¹ Taft, Ronald

آزمون فرضیه‌ها

بر اساس نظریه‌ی کارکردگرایی، جوانان دارای شخصیت انعطاف‌پذیر و آزادی‌ بیشتری در انتخاب نقش‌های اجتماعی خود هستند؛ بنابراین در این پژوهش فرض شده‌است که بین سن زنان معاود و سازگاری آن‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد. جدول ۱ میزان سازگاری زنان معاود را بر اساس سن نشان می‌دهد:

جدول ۱- میزان سازگاری و سن زنان معاود

سازگاری	سن ۱۷ تا ۲۳		۲۴ تا ۳۳		۳۴ به بالا		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
ضعیف	۲	۵٫۰	۷	۱۷٫۵	۳۱	۷۷٫۵	۴۰
متوسط	۲۷	۱۶٫۱	۵۱	۳۰٫۴	۹۰	۵۳٫۶	۱۶۸
خوب	۶	۱۳٫۳	۱۱	۲۴٫۴	۲۸	۶۲٫۲	۴۵
جمع	۳۵	۱۳٫۸	۶۹	۲۷٫۳	۱۴۹	۵۸٫۹	۲۵۳

$$df=4; \chi^2=23.8; p=0.082$$

ارقام جدول ۱ نشان می‌دهند که سازگاری بیش‌تر افراد در حد متوسط است و بیش‌تر کسانی که دارای سازگاری خوب بودند گروه سنی بالای ۳۴ سال اند، که درصد مربوط به این افراد نسبتاً کوچک است. از طرف دیگر، بیش از ۷۵ درصد کسانی که دارای سازگاری ضعیف بودند نیز از گروه سنی ۳۴ سال به بالا بودند. در واقع اگر میزان سازگاری این گروه سنی را نسبت به خودش بسنجیم، می‌بینیم که درصد افرادی که دارای سازگاری ضعیف بودند و آن‌هایی که دارای سازگاری خوب بودند بسیار نزدیک است (۳۱ نفر در برابر ۲۸ نفر). با در نظر گرفتن مدت اقامت این افراد در ایران، این مسئله جالب‌تر می‌شود. طبق اظهار نظر خود افراد، ۹۶ درصد پاسخ‌گویان بیش از ۱۰ سال سابقه‌ی اقامت در ایران را داشته‌اند و به نظر می‌رسد این مدت زمان برای سازگاری کفایت کند. در مجموع با توجه به این که عدد خی‌دوی به دست آمده از عدد خی‌دوی استاندارد ۵ درصد کم‌تر است بین سن و سازگاری رابطه‌ی معنادار یافت نشد.

فرضیه‌ی دوم پژوهش بیان می‌دارد که بین نوع شغل افراد و سازگاری آن‌ها رابطه وجود دارد. استدلال این فرضیه این است که اگر شغل افراد به گونه‌ی باشد که باعث ارتباط بیش‌تر معاودین با افراد جامعه‌ی میزبان شود، سازگاری آن‌ها را بالا می‌برد. جدول ۲ ارقام مربوط به این فرضیه را نشان می‌دهد.



جدول ۲- میزان سازگاری و نوع شغل زنان معاود

نوع شغل خانهدار	خیاط آرایش‌گر		کارمند معلم		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ضعیف	۳۷	۹۲/۵	۲	۵/۰	۴۰	۱۰۰
متوسط	۱۴۴	۸۵/۸	۱۳	۷/۷	۱۶۸	۱۰۰
خوب	۲۱	۲۴/۴	۷	۱۵/۶	۴۵	۱۰۰
جمع	۱۹۲	۷۵/۹	۲۲	۸/۷	۲۵۳	۱۰۰

$$df=4; \chi^2=45/93; p=0/0003$$

ارقام جدول ۲ نشان می‌دهند که بالاترین درصد افراد دارای سازگاری خوب، متعلق به کارمندان و معلمان است و با توجه به این که خی‌دوی به‌دست‌آمده از خی‌دوی استاندارد ۵درصد بزرگ‌تر است، بنابراین بین نوع شغل افراد معاود و میزان سازگاری آن‌ها رابطه‌ی معنادار یافت‌شد. این یافته در راستای ادعای فرضیه‌ی تماس است. ارقام مربوط به فرضیه‌ی سوم پژوهش در مورد وضعیت تأهل زنان معاود و سازگاری آن‌ها، در جدول ۳ آورده شده‌است.

جدول ۳- میزان سازگاری و وضعیت تأهل زنان معاود

وضعیت تأهل بدون همسر	دارای همسر		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ضعیف	۲۰	۵۰/۰	۴۰	۱۰۰
متوسط	۲۴	۲۳/۸	۲۳/۸	۱۶۸
خوب	۶	۱۳/۳	۸۶/۷	۴۵
جمع	۷	۲۷/۷	۷۲/۳	۲۵۳

$$df=2; \chi^2=77/14; p=0/0006$$

ارقام جدول ۳ بیان‌گر این نکته است که زنان معاود دارای همسر، بیش‌ترین درصد سازگاری در سطح خوب را دارند و با توجه به این که خی‌دوی به‌دست‌آمده از خی‌دوی استاندارد ۵درصد بزرگ‌تر است؛ بنابراین رابطه‌ی بین وضعیت تأهل و سازگاری معنادار است. هرچند این یافته مؤید دیدگاه تماس است، باید دقت داشت که برخی پژوهش‌ها (اسمل‌سر^۱ ۱۹۹۱: ۴۰) نشان داده‌است که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد، از بیش‌تر جنبه‌های زندگی‌شان رضایت بیش‌تری دارند (البته به غیر از گلایه‌شان از دردرس و مشغولیت زیاد)؛ بنابراین تأثیر تأهل روی سازگاری شاید ناشی از تأثیر عموماً مثبت تأهل بر روی رضایت از زندگی باشد.

¹ Smelser, Neil J.

نظریه‌ی کارکردگرایی بیان کرد که میزان تحصیلات یک فرد تأثیر قابل‌ملاحظه‌ی روی رفتارهای گوناگون وی از جمله سازگاری دارد. بری و همکاران معتقد اند که تحصیلات، به‌خودی‌خود یک دارایی اجتماعی است و افراد را در تحلیل مسائل و حل مشکلات از جمله مشکلات مربوط به سازگاری و انطباق‌پذیری، توان‌تر می‌سازد (بری و همکاران ۲۰۰۲: ۳۶۶). ارقام مربوط به فرضیه‌ی چهارم در مورد رابطه‌ی تحصیلات و سازگاری در جدول ۴ آورده شده‌است.

جدول ۴- میزان سازگاری و سطح تحصیلات زنان معاود

سازگاری	تحصیلات بی‌سواد		ابتدایی		راه‌نمایی		دیپلم به بالا		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
ضعیف	۲۶	۶۵٫۰	۱۱	۲۶٫۵	۲	۵٫۰	۱	۲٫۵	۴۰
متوسط	۲۷	۱۶٫۱	۵۰	۲۹٫۸	۳	۱۷٫۹	۶۱	۳۶٫۴	۱۶۸
خوب	۲	۴٫۴	۱	۲٫۲	۸	۱۷٫۸	۳۴	۲۶٫۵	۴۵
جمع	۵۵	۲۱٫۷	۶۲	۲۴٫۵	۴۰	۱۵٫۸	۹۶	۳۷٫۹	۲۵۳

$$df=6; \chi^2=9.87; p=0.0004$$

ارقام جدول ۴ نشان می‌دهند که تقریباً سه‌چهارم زنانی که سازگاری خوب داشته‌اند دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر بودند. با توجه به این‌که خی‌دوی به‌دست‌آمده از خی‌دوی استاندارد ۵درصد بزرگ‌تر است، رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و میزان سازگاری رابطه‌ی معنادار می‌شود. این رابطه هنگامی‌که در مورد شغل در نظر گرفته‌شود گویاتر است؛ به‌این‌صورت که تحصیلات بالاتر امکان به دست آوردن مشاغل با درآمد بالاتر را بیش‌تر می‌کند و بنابراین بر میزان رضایت فرد تأثیر مثبت می‌گذارد. وینر (۱۳۸۳) گزارش می‌کند که هرچند جامعه‌ی آمریکا نسبت به قوم زرد (ژاپن، چین، کره) تاریخی طولانی از تبعیض و دیدگاه نژادپرستی دارد، با این‌حال با توجه به این‌که در چند دهه‌ی گذشته، مهاجران آسیایی یا خود دارای تحصیلات بالا بوده‌اند و یا این‌که فرزندان آن‌ها توانسته‌اند به تحصیلات بالا و در نتیجه مشاغل سطح بالا با درآمد خوب دست یابند، میزان ادغام و استحاله‌ی آن‌ها در جامعه‌ی آمریکا، نسبت به کشورهای دیگر که به‌طور سنتی مهاجران زیادی به آمریکا داشتند (مانند مکزیک یا پورتوریکو)، بیش‌تر شده‌است.

نظریه‌ی کارکردگرایی بر این ادعا بود که پیچیدگی و ساختار تقسیم کار جامعه‌ی مقصد از جامعه‌ی مبدأ بزرگ‌تر است و فقط مهاجرانی که مهارت‌های شغلی و اجتماعی مورد نیاز را دارند یا سریعاً کسب می‌کنند، می‌توانند موفق شوند و درآمد رضایت‌بخشی به



دست آورند؛ بنابراین، پنجمین فرضیه‌ی پژوهش، تأثیر درآمد خانواده را بر میزان سازگاری آن‌ها مورد آزمون قرار داد، که ارقام مربوط در جدول ۵ آورده شده‌اند.

جدول ۵- میزان سازگاری و میزان درآمد خانواده زنان معاود

سازگاری	درآمد (هزار تومان) ۶۰ تا ۸۰		۸۱ تا ۱۰۰		۱۰۱ و بالاتر		جمع فراوانی	درصد
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
ضعیف	۲۱	۵۲٫۵	۱۷	۴۲٫۵	۱	۵٫۰	۴۰	۱۰۰
متوسط	۵۶	۳۳٫۳	۷۸	۴۶٫۶	۳۴	۲۰٫۲	۱۶۸	۱۰۰
خوب	۵	۱۱٫۱	۱۴	۱۳٫۱	۲۶	۵۷٫۸	۴۵	۱۰۰
جمع	۸۲	۳۲٫۴	۱۰۹	۴۳٫۱	۶۶	۲۴٫۵	۲۵۳	۱۰۰

$$df=4 : \chi^2=4,41 : p=0,003$$

در این‌جا نیز بالاترین میزان سازگاری خوب متعلق به افرادی است که درآمد بیش‌تری دارند؛ هم‌چنین خی‌دوی. به‌دست‌آمده از خی‌دوی. استاندارد ۵درصد بزرگ‌تر بود که نشان می‌دهد رابطه معنادار است. البته باید خاطر نشان ساخت که هرچند رابطه‌ی درآمد و سازگاری به مقداری زیاد متأثر از شغل و تحصیلات است و تحصیلات بالا منجر به یافتن شغل خوب با درآمد بالا می‌شود، ولی درآمد به‌طور مستقل نیز می‌تواند بر سازگاری تأثیر بگذارد.

آخرین فرضیه‌ی پژوهش بیان می‌دارد که بین تعداد فرزندان زنان معاود و سازگاری آن‌ها رابطه وجود دارد؛ زیرا به نظر می‌رسد فرزندان با مدرسه رفتن و دوست و هم‌بازی پیدا کردن، زمینه‌ی ارتباط خانواده‌هایشان را با جامعه‌ی میزبان افزایش می‌دهند (فرضیه‌ی تماس). فرزندان هم‌چنین خود می‌توانند به‌عنوان عامل فرهنگی، آموخته‌های هنجاری و فرهنگی خود از محیط‌های آموزشی را به درون خانواده منتقل کنند و بنابراین سازگاری والدین را ارتقا بخشند؛ هرچند فرزندان زیاد نیز می‌توانند وقت و امکان ارتباط افراد را با جامعه‌ی میزبان کاهش دهند. جدول ۶ ارقام مربوط به این فرضیه را نشان می‌دهند.

جدول ۶- میزان سازگاری و تعداد فرزندان زنان معاود

سازگاری	کم‌تر از ۳ فرزند		۳ تا ۶ فرزند		۶ فرزند و بیش‌تر		جمع فراوانی	درصد
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
ضعیف	۱۳	۳۲٫۵	۱۵	۳۷٫۵	۱۲	۳۰٫۰	۴۰	۱۰۰
متوسط	۹۷	۵۷٫۷	۴۶	۲۷٫۴	۲۵	۱۴٫۹	۱۶۸	۱۰۰
خوب	۳۷	۸۲٫۲	۷	۱۵٫۶	۱	۲٫۲	۴۵	۱۰۰
جمع	۱۴۷	۵۸٫۱	۶۸	۲۶٫۹	۳۸	۱۵٫۰	۲۵۳	۱۰۰

$$df=4 : \chi^2=7,23 : p=0,001$$

ارقام جدول ۶ نشان می‌دهند که بالاترین میزان سازگاری خوب متعلق به خانواده‌های دارای فرزندان کم است. عدد خی‌دوی به دست آمده برای این فرضیه نیز از عدد خی‌دوی استاندارد ۵ درصد بیشتر و بیان‌گر از رابطه‌ی عکس بین تعداد فرزندان و میزان سازگاری زنان معاود است؛ یعنی تعداد زیاد فرزندان، دست‌وپاگیر بوده، مشکلات خانواده را بیشتر می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که به‌غیر از متغیر سن، بقیه‌ی متغیرهای در نظر گرفته شده (تاهل، تحصیلات، درآمد، نوع شغل و تعداد فرزندان)، تأثیر قابل‌توجهی بر سازگاری زنان معاود داشته‌است. البته در تفسیر یافته‌ها باید جنبه‌ی احتیاط را نگاه داشت؛ چون حدود دوسوم پاسخ‌گویان در طبقه‌ی «سازگاری متوسط» قرار گرفتند و این می‌تواند ناشی از «خطای تمایل مرکزی»^۱ (روزن‌تال و روزنو^۲ ۱۹۸۴: ۱۴۳) باشد؛ یعنی پاسخ‌گویان معمولاً از انتخاب گزینه‌های «خیلی زیاد» و یا «خیلی کم» خودداری نموده، بیش‌تر گزینه‌های میانه را انتخاب می‌کنند و این، یکی از نقاط ضعف به‌کارگیری روش پیمایش است.

وینر (۱۳۸۳) ادعا می‌کند که تمایل جامعه‌ی میزبان در ادغام و استحاله‌ی مهاجران، یکی از متغیرهای مهم در امر سازگاری مهاجران با محیط جدید است. برخی از کشورها مانند آلمان و کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج‌فارس به مهاجران به دید کارگران موقت نگاه می‌کنند و امکانات شهروندی شدن را به راحتی در اختیار آن‌ها نمی‌گذارند. اینان شهروندی را یک مسئله‌ی اصل‌ونسی و اجدادی می‌دانند و حتا به فرزندان مهاجران نیز که در آن کشورها متولد می‌شوند شناسنامه نمی‌دهند و آن‌ها را بومی خودشان تلقی نمی‌کنند؛ در صورتی که کشورهایمانند فرانسه و یا آمریکا، متولد شدن در کشورشان را برای شهروندی و بومی تلقی شدن کافی می‌بینند (طبق نظریه‌ی تماس). ۱/۳ درصد زنان معاود پاسخ‌گو به این پژوهش، دارای شناسنامه و ۳۸/۷ درصد آنان دارای کارت سبز بودند.

در اختیار داشتن امکانات تحصیلی نیز نشان‌دهنده‌ی باز یا بسته بودن جامعه‌ی میزبان نسبت به مهاجران است. از پاسخ‌گویان درباره‌ی میزان تحصیلات‌شان در عراق سؤال شد که ۴۴ درصد بی‌سواد، ۳۶/۸ درصد در حد ابتدایی، ۱۷/۴ درصد در حد متوسطه، و فقط ۲/۰ درصد تحصیلات عالی داشتند. پس از پرسش در مورد وضعیت تحصیلی آن‌ها در ایران مشخص شد که ۲۱/۷ درصد بی‌سواد، ۲۴/۵ درصد تحصیلات ابتدایی، ۴۵/۸ درصد تحصیلات

^۱ The Error of Central Tendency

^۲ Rosenthal, Robert, and Ralph L. Rosnow



متوسطه، و ۷/۹ درصد تحصیلات عالی داشته‌اند. این موارد (دارا بودن شناسنامه و کسب تحصیلات) به اضافه‌ی این که حدود ۱۵/۴ درصد افراد، دارای مشاغل کارمندی و معلمی بودند، نشان‌دهنده‌ی باز بودن جامعه‌ی ایران برای مهاجران است.

اما سازگاری مهاجران فقط به جامعه‌ی میزبان بستگی ندارد، بلکه تمایل خود مهاجران برای تغییر هویت و استحاله شدن نیز بسیار مهم است. آیا مهاجران، جامعه‌ی جدید را مکانی موقت برای به دست آوردن درآمد و پناهگاهی کوتاه‌مدت برای رهایی از فشار و خفقان سیاسی کشور خودشان در نظر می‌گیرند یا این که در پی به دست آوردن هویتی جدید اند (وینر ۱۳۸۳). با توجه به این که تقریباً همه‌ی معاودان، بیش‌تر به‌خاطر فرار از شرایط سخت عراق مهاجرت کرده‌اند تا به‌خاطر برتری‌های جامعه‌ی ایران، بسیاری از آن‌ها اقامت‌شان در ایران را گذرا می‌بینند؛ در واقع حدود ۷۵/۰ درصد پاسخ‌گویان تمایل داشتند که در صورت آرام و صلح‌آمیز شدن شرایط عراق، به آن‌جا بازگردند.

از پاسخ‌گویان درباره‌ی فرهنگ و آداب و سنن جامعه‌ی میزبان پرسیده‌شد که ۲۱/۳ درصد ارزیابی مثبت، ۴۳/۱ درصد ارزیابی متوسط، و ۳۵/۶ درصد فرهنگ جامعه‌ی میزبان را بد ارزیابی کردند؛ بنابراین عامل دیگری که بر سازگاری مهاجران تأثیر به‌سزایی دارد بریدن از فرهنگ جامعه‌ی قبل است. هر قدر فرد مهاجر از طریق بستگان و دوستان و یا از طریق رسانه‌ها در ارتباط پیاپی با فرهنگ جامعه‌ی قبل قرار داشته‌باشد، انگیزه‌ی سازگاری او کم‌تر می‌شود. از پاسخ‌گویان این پژوهش حدود ۴۷ درصد دارای بستگانی در عراق بودند و بیش از ۵۰ درصد آنان از تلویزیون عراق استفاده می‌کردند؛ هم‌چنین حدود ۶۴ درصد آن‌ها اظهار داشته‌اند که به علت داشتن بستگان، به ایلام (و نه شهر دیگر) آمده‌اند. این مسائل باعث می‌شود که با زنده نگه داشتن فرهنگ جامعه‌ی عراق، مقدار زیادی از نیازهای عاطفی-روانی آن‌ها برآورده شود. از طرف دیگر، که شاید از لحاظ نظری نیز مهم‌تر باشد، سازگاری نسبتاً پایین پاسخ‌گویان است که می‌تواند بیان‌گر این واقعیت باشد که مهاجران، مخصوصاً نسل اول ایشان، از نظر فرهنگی به‌ندرت می‌توانند کاملاً جذب جامعه‌ی میزبان شوند و همیشه تا حدودی در حاشیه‌ی آن جامعه قرار می‌گیرند. این مسئله با «انسان حاشیه‌یی»^۱، که پارک یا استون‌کوویست^۲ مطرح می‌کنند، بسیار هم‌خوانی دارد؛ یعنی انسان حاشیه‌یی کسی است که متعلق به دو گروه متفاوت است، بی‌آن که به هیچ‌یک از آن دو تعلق کامل داشته‌باشد. چنین فردی به‌خاطر شرکت نداشتن در تجربه‌ی تاریخی گروهی که به آن پیوسته، از دیدگاه آن گروه، فردی بی‌تاریخ است. از طرف دیگر، و شاید به دلیل

^۱ Marginal Man

^۲ Stonequist, Everett

همین عدم شرکت در تجربیات تاریخی، بسیاری از عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه که برای افراد بومی، طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسند برای انسان حاشیه‌یی، قابل توجیه و پذیرفتن نیست. او «در دو جهان زندگی می‌کند و در هر دوی آن‌ها کم‌وبیش بیگانه است» (کوزر ۱۳۷۳: ۴۸۵)؛ هرچند که این پدیده را به‌خودی‌خود نباید خیلی منفی دانست زیرا به قول زیمل^۱ (۱۹۷۱) انسان حاشیه‌یی، با توجه به فاصله‌ی فرهنگی‌یی که از جامعه‌اش دارد، از استقلال فکری و فرهنگی بیش‌تری برخوردار است و در نقادی و آسیب‌شناسی جامعه بی‌طرف‌تر و تواناتر عمل می‌کند.

پیشنهادها و راه‌کارها

پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که میزان تحصیلات و سواد افراد تأثیری فراوان بر سازگاری آن‌ها دارد. به نظر می‌رسد که تحصیلات، توانایی رقابت افراد در بازار کار را بالا می‌برد و فرد دارای تحصیلات بالاتر می‌تواند مشاغلی دارای درآمد بیش‌تر و اعتبار اجتماعی بالاتر را به دست آورد که این خود میزان مشارکت اجتماعی و پیوند با جامعه‌ی میزبان را بالا می‌برد (انصاری ۱۳۶۹؛ ژلیازکوا ۱۹۹۸؛ اکبری مله‌ی ۱۹۹۵). نتایج پژوهش کنونی نشان می‌دهد که میزان سواد و تحصیلات معاودین در سطح پایین است. نزدیک به ۶۲ درصد آنان دارای تحصیلات کم‌تر از دیپلم هستند که با توجه به پیچیده و تخصصی‌تر شدن بازار کار، به نظر می‌رسد این میزان تحصیلات مانع تحرک شغلی و اجتماعی لازم برای معاودین می‌شود؛ بنابراین دست‌اندرکاران دولتی باید تمهیداتی درباره‌ی بالا بردن میزان تحصیلات معاودین فراهم سازند و با کار فرهنگی آن‌ها را ترغیب به ادامه‌ی تحصیل نمایند. از طرف دیگر، نزدیک به ۳۶ درصد معاودین ارزیابی چندان مثبتی از فرهنگ ایرانی ندارند و حدود ۵۰ درصد آنان اظهار داشته‌اند که از برنامه‌ی کانال‌های تلویزیونی عراق استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد حضور معاودین در ایران بیش‌تر به‌علت دافعه‌های عراق است تا جاذبه‌های ایران و نزدیک به ۷۵ درصد این افراد اظهار داشته‌اند که با بهبود یافتن اوضاع عراق به آن‌جا باز خواهند گشت؛ بنابراین برنامه‌ریزان سازمان‌های فرهنگی کشور باید از طریق کانال‌های تلویزیونی استانی و روزنامه‌های محلی، عناصر فرهنگی ایران را در قالب برنامه‌های موافق با سلیقه‌ی معاودین توجیه و جذاب کنند تا این دسته از مهاجرین، ایران را وطن دائمی خود بدانند و تلاش بیش‌تری برای سازگاری نشان دهند.

^۱ Simmel, Georg



منابع

- افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۷۲. *ایلام و تمدن دیرینه‌ی آن*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الخلیل، سیمر. ۱۳۷۰. *جمهوری وحشت: عراق امروز*. برگردان احمد تدین. تهران: انتشارات طرح نو.
- انصاری، عبدالمعبود. ۱۳۶۹. *ایرانیان مهاجر در ایالات متحده*. برگردان ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات آگاه.
- تقوی، عبدالرسول. ۱۳۸۴. «عوامل مؤثر بر سازگاری فرهنگی غیربومیان در شهر قائمیه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان.
- جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۶۷. *بررسی تاریخی مرز ایران و عراق*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ربانی، رسول. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات دانشگاه اصفهان و سازمان سمت.
- ربانی، رسول، و احمد پاییزان. ۱۳۸۳. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد». *پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی* ۴(۱۴): ۴۱-۶۵.
- روشه، گی. ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. برگردان عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات تبیان.
- ساروخانی، باقر، علی پورطائی، حسین دماوندی، و مسعود معین‌الدینی. ۱۳۵۰. «ایرانیان بازگشته از عراق»، طرح پژوهشی وزارت کشور، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهشات اجتماعی، بخش پژوهشات روان‌شناسی اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون، تهران.
- شعریاف، حمید. ۱۳۷۶. «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات آوارگان افغانی شهر اصفهان و حومه در بازگشت به افغانستان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان.
- کوزر، لوئیس. ۱۳۷۳. *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. ۱۳۶۸. *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید.
- وینر، مایرون. ۱۳۸۳. «عوامل مؤثر در ادغام مهاجران: یک بررسی مقایسه‌ی بین‌المللی». برگردان منصور حقیقتیان. *فصل‌نامه‌ی جمعیت* ۱۲(۴۹-۵۰): ۱۱۵-۱۴۰.
- Akbari Melhi, Firoozé. 1995. "The Effects of Migration on Family Relationships: Case Studies of Selected Migrant Workers." Theses for Master of Social Work, College of Social Work and Community Development, University of Philippines, Quezon City, Philippines. Retrieved 24 August 2003 (<http://dbase.irandoc.ac.ir/00232/00232291.htm>).
- Berry, John W., Ype H. Poortinga, Marshall H. Segall, and Pierre R. Dasen. 2002. *Cross-Cultural Psychology: Research and Applications*. 2nd Edition. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Brednikova, Olga, and Oleg Patchenkov. 1999. "Economic Migrants from Azerbaijan in St. Petersburg: The Problems of Social Adaptation and Integration." *Caucasian Regional Studies* 4(1). Retrieved 8 June 2003 (<http://poli.vub.ac.be/publi/crs/eng/0401-04.htm>).
- Collins, Randall, and Michael Makowsky. 1989. *The Discovery of Society*. 4th Edition. New York, NY, USA: Random House.
- Goldlust, John, and Anthony H. Richmond. 1974. "A Multivariate Model of Immigrant Adaptation." *International Migration Review* 8(2):193-225

- Rosenthal, Robert, and Ralph L. Rosnow. 1984. *Essentials of Behavioral Research: Methods and Data Analysis*. New York, NY, USA: McGraw Hill.
- Sigelman, Lee, and Susan Welch. 1993. "The Contact Hypothesis Revisited: Black-White Interaction and Positive Racial Attitudes." *Social Forces* 71(3):781-795.
- Simmel, Georg. 1971. *On Individuality and Social Forms; Selected Writings*. Edited by Donald N. Levine. Chicago, IL, USA: University of Chicago Press.
- Smelser, Neil J. 1991. *Sociology*. 4th Edition. Englewood Cliffs, NJ, USA: Prentice-Hall.
- Smith, Dennis. 1988. *The Chicago School: A Liberal Critique of Capitalism*. New York, NY, USA: McMillan Education.
- Taft, Ronald. 1977. "Coping with Unfamiliar Culture." Pp. 121-153 in *Studies in Cross-Cultural Psychology*, Vol. 1, edited by Neil Warren. London, UK: Academic Press.
- Weeks, John R. 1999. *Population: An Introduction to Concepts and Issues*. 7th Edition. New York, NY, USA: Wadsworth Publishing.
- Weirsbicki, Susan K. 2004. *Beyond the Immigrant Enclave: Network Change and Assimilation*. New York, NY, USA: LFB Scholarly Publishing.
- Zhelyazkova, Antonina, ed. 1998. "Between Adaptation and Nostalgia: The Bulgarian Turks in Turkey." International Center for Minority Research and Intercultural Relations. Retrieved 3 July 2003 (<http://www.omda.bg/imir/studies/nostalgia.html>).

نویسندگان

دکتر منصور حقیقتیان،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان
mansour_haghighatian@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی، گرایش جمعیت‌شناسی اجتماعی، دانشگاه داکوتای جنوبی، آمریکا. پژوهش‌های وی در زمینه‌های سازگاری مهاجران، سرمایه‌ی اجتماعی، جامعه‌شناسی شهری، سازمان‌ها، علم، و فن‌آوری است که دست‌آورد آن تا کنون نگارش چندین مقاله و برگردان کتاب *فرآیند اعتماد در سازمان‌ها* (نوتیووم، بارت، و فردریک سیکس) به فارسی بوده‌است.

حیران پورنجف،

کارشناس پژوهش، دانشگاه علوم پزشکی، ایلام

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، اصفهان. پژوهش‌های وی در زمینه‌های مطالعات زنان و آسیب‌شناسی اجتماعی است که از آن میان می‌توان به انجام طرح پژوهشی «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی دانش‌آموزان دبیرستانی استان ایلام» و «بررسی مقایسه‌ی آگاهی، نگرش، و عمل‌کرد زنان ایلامی و زنان معاهد ساکن شهرستان ایلام در خصوص تنظیم خانواده» اشاره کرد.